

جای اوار و کما

مکمل لغات و مکاتیب
باید لغت و نایل باشد
مجله

تکلیف

۱۳۳۵

تخصیص امرت لواعی و علامات
فصوحی با و فراداد است

مکاتیب بدون امضاء
و عنوان پذیرفته نشود

در اشکال جواز نشره در این مجله

قیمت اشتراک

یکماه ۵۰ قران

مارت چهارشنبه هجدهم جمادی الاول ۱۳۳۵

کتاب هفت شاهی
ماریه چهارشنبه هجدهم جمادی الاول ۱۳۳۵

این روزنامه فقط نمایان حقوق ایرانیان و منور افکار اسلامیان است

بدکار را باید مجازات داد

مانند آنچه که در مجازات و سایر مجامع تردید ندارد که امروز در مملکت ما شایسته تغییر است کرده با عملیات آنان را تصدیق کنیم بلکه همیشه این نکته را مسلم داشته و داریم که تردید در مملکت مولد هر چه صریح موجود است ، علت نماند ، باعث ضعف و آسایش حکومت ، سبب عدم اطمینان جانی و مالی کلیه افراد است .

مانند آنچه در این صحت صحبت کنیم که در مملکتی که ابداً گردور بدی را جزائی دینی نیست بدکاری مدوح و نیکوکاری مذموم و هر کسی در میسرند و مقام حاکم مطلق فعال بایزید و کلیه حرکات کفایت باستانی بوده و تصور جزائی را برای خیانت نمیکنند بالطبع جمعی یا برای انتقام شخصی و یا ملاحظه فواید نوعی اقدام برود و کشتن اشخاص معلومه خواهد نمود صرف نظر از این نظریه نموده میگوئیم باید بر اقدام چنین امری نمود و باب تردد را منقوح کرد و مورد مجازات شود ولی نمیتوانیم از ابرادیک جمله

خودداری نموده و از میان یک مطلبی که وجداناً ذمه دار ذکر آن هستیم صرف نظر نمانیم .

آیا فقط یک عده که قیام برود نموده و قدس را با اعتناش مملکت و اعمال اغراض شخصی بوده یا حقیقتاً برای رفع شرفائین و جزای وطن فردین و جریان امور بجاری قانونی یا برای آسایش و رفاه عموم و استخلاص گریبان مملکت از چنگال گرگان آدمی صورت داخل نسیکونه عملیات شد باید بانواع عقوبت ها گرفتار گشته و مکافات ببینند یا اینکه بعلاوه این جمع آن کسانیکه نیز از بدکاران همگونه حیانت جنایت بدکاری بر با دوی مملکت مضایقه نموده حقوق ملکی و دینائی را صراحتاً بدون پروا و بیم یاد داده هر چه را که مایل بودند کردند و بیسج منصفی نتوانند منکر بدکاری های آنها شود باید مجازات برسند

ما بطر حرس و زور مشهین نسبت قتل و مظلومین بعضی وقت کینه مجازات که چرا این تریب نیست آوری که فقط از یاد کارهای عهد چنگیزی و نمونه

شماره هجدهم
برای مردم
خود شن
عملیات
بند چنان
مردم
بزرگان
روزنامه
نایب
رود و
نقاط
مغی الامکان
بازند تا نظر
برای اصول
تاریخ
را نیز روح
حقیقت است
توضیح
دوازده
بسیون
این مقدار
بطلون خارج
چون اطلاق
سول آن بکلی از
سید بحرینی -

های دوره بربریت و توخس است و استبداد
 مستبد و وحشی سابق هم از ائیان نظایران عاجز
 است باید در دست یک اروپائی قانونی یعنی
 آدیت و وجدان دستبند است ، معذب
 شوند ایرادی نمیکند حتی برای قطع زبان کردن
 و عامیان مرتجعین خائن که بازم ما را مورد ذراقت
 و بیانات خود قرار دهند اینگونه اعمال حیثاً
 دستبند قانونی را مصدق میبویم و عقرب میکنیم
 اینها و هر که جانی است قاتل است ، سودگی است
 بد کار است ، خائن است ، باید مجازات شود .

ولی از عموم مردم و از محمود آن کسانیکه با جرات
 فوق التصور که محرک کن حرارت خط توجیه مارکت
 غیر انگلیس است ، مجازات این عده را خوانان و
 کلیه عملیات سبانه دستبند رئیس تکیلات
 نظیر را قانونی و در برابر ما گذاشتن جمیع قوانین
 مدنی و دینی نفس قانون معرفی میکنند سوال
 میکنیم که آیا مجازات محمد و دین این عده
 است یا هر که بد کار است ؟!

معنی اعدام عقیدت در سیاه چال های
 تدریک زجر و سایر صدماتی که با آن وضع قیامت
 آمد بهر دستبند مجری میشود باید مخصوص کسانی
 باشد که بصدف فاشین وطن قیام کرده برای ستم
 پست و وطن قادر بودند ستم عملیات مشغول
 شدند یا اینکه بر باد و ستم گان حقوق
 ملت هم باید در ردیف این اشخاص مجازات
 را در بر کنند

نظری در اوضاع پارتی

بجهت حل جارت نداشته و نداریم و طبیعتاً

شاهپرسی مانیت که ذات اقدس شاهانه از مقدس
 شماریم اما گذشته از آن مقام مقدس و صرف نظر
 از چند نفر معین که تا امروز بدستی معرفی شده اند
 مرکز ایران پر است از گروهی که غیر از برای ایران
 و تحکیم نفوذ و اختیار ملی ظاهر نموند امتیازات داده
 حاکمیت و مجاری و چار کردند ملت را بر روزگار تیره
 بدستی و فلاکت مبتلا کرده و میکنند پیش آنگ
 استیلاهای اجانب بوده و ستمند به ستمت ابدی
 این ملت اهتمام داشته و دارند خد راه اصلاحات
 عاین عمل مساوات . مانع قوی حریت ، دشمن
 حکم مشروطیت و قانون ضد صریح شریعت بودند
 دولت ظالمانه روس و محرم با این بر قتل و غارت
 های بیحد و حصر شدند اینک انگلیس را بخون
 حاکمیت تقویت میکنند و چند نفر از شریعت خون
 بدین راه بوسید مستمری های بخارخانه انگلیس
 بخواب کردن افکار جماعت و اعتمادش از زبان
 ملت میگذرانند هر چه فعل صحیح است مرتکب
 از هر چه عمل صحیح است دور و بلکه اعمال صحیح
 دیگران را هم متوجه اند از میان برده باشند و
 همگی این جمعیت نامسلس و وطن را می شناسند
 با این حال تا امروز یک محکم در حاکمیت تشکیل شد
 که از گذشته آنان با بررسی کنند و برای ترک
 هرزه گپهای آینده آنها بدستی اتخاذ نماید .

هر ماموری که بهر طرف روانه شده و میشود
 آزاد از حقوق ملک و ملت دشمن میفرستد
 هر ملکی که بهر ولایتی میرود نوکری بیگانگان
 را اختیار نماید هر وزیر می که بپند وزارت
 جالس میشود خود را مکلف بخدمتگداری بیگانگان

میدند در
 نامه این
 غارتگران
 دجار مهاجر
 جماعت که
 هر هفته طبع
 اخباری با
 از مجازات
 خود از ریا
 از و کالت
 کرده مقصد
 بر میگردد
 سکی از
 باز پرس
 و نویسنده
 از میان
 بدف تیر
 فخران
 البته این
 و بزرگوار
 امیر و
 بزرگی و
 و مجبور
 ولی
 جنگل
 فصل نظ
 بنخواست
 تخم شریف

از مقدس
رف نظر
ده اند
ای ایران
ت دادند
کار تیره
سنگ
مادی
ملاط
دشن
افند
معارف
بجون
خون
انگلس
سوزان
کعبه
سجده
شد
باشد
نگین
ی ترک
و میشود
شد
انگان
ورت
انگان

میدند در عوض اینهمه بدکاری با تعالی رتبه نائل شوند
بامنه این مراتب این اقباز و مسندگان این
غارنگران حیرت و جده که اسم هم نمیریم برای اینکه
دچارها چه تویم بچنین این منورکنندگان افکار
جماعت که بالیره های انگلیسی اوراق خاله خود را
هر هفته طبع و نشر میدهند با جمله این طالبان ساد
اجباری با ایرانی و عاشقان چاکری اختیاری با جا
از مجازات معاف و بیادش غارتگری و حیات
خود از ریاست حکومت از حکومت بوکالت
از وکالت وزارت مجدد آبار مقام اوله عودت
کرده متصل بدور تسلل مشغول میروند پس وزیر
بر میگردد حاکم وکیل امیر

یکی از آنها اگر بنام انانیت و برایت ابراد
مازنیس شود فوراً بعضی از ادبای شیرین زبان
و نویسندگان با وجدان محض است و تهمت که
از میان فصاحت خود سرازیر کرده بچاره کسیکه
به ف تیرای زهرالود قلم و زبان این خوش
فطرتان شود.

البته اینها را نباید مجازات داد اینها آقا و رئیس
و بزرگوارند حضرت اقدس حضرت اشرفند
امیر و سردارند همه عظمت دارند همه محلی
بزرگی و شخص را در مده مدوح (وطن)
و محبوب

ولی اتحاد اسلام غارت گراست در نامه
جنگل فضول است جنگلی شرور تر و دیت که بی
مخل نظم کینه مجازات هم که البته ضد امنیت بود
بمخوات زودتر برای نزدیکی بمکرز العباد البته
تتم شریف حضرت اشرفها حضرت اقدسها بدیر

محترم ما را از میان برداشته دولت فخره انگلیس
و بلکه هر متجاوزی را ایران دلو یک ... باشد
و چارقلت انصار نمایند در این صورت باید مجازات
بیبینند و معدوم شوند.

یک سلسله بدبختی

فنا و اطلاق بی دینتی، ردالت بطوری
در ایران خصوصاً در پای تحت کب شدت نمود
که بدون خجالت نمیتوان با جدی اطمینان پیدا کرد
می بینیم دیروز یکی از غم ملکت تینه اش چاک
چاک بود امروز با کاغذ ناسیکه عوض طلا و نقره
خودشان با اسم پول از سفارت انگلیس میگیرند
القیام پیدا نمود.

دیروز یکی وکیل ملت بود و برای حفظ حقوق
جماعت مثل زن بچه مرده بر سر و سینه میزد
امروز با پول خائنین تکلیف شده اعتبارات
و جدانی خود را زیر پا میگذارند.

دیروز یکی بوسیده نطق و بیان مردم بخت
را سرگردان کرده و برای جلب توجه عامه
بر رفت مقام نایل گشته امروز برای ملاقات
محرمانه چند دقیقه فلان سفیر یا فلان وزیر
منت سرشار از خلوت خانه بیرون خریا
دیروز و دیروز یکی با یکی فراموش میکند
دیروز یکی بواسطه انقلاب با معیت انقلاب
رئیس الاحرار شد امروز با کمال مشرعی با جا
خدمتگذار.

دیروز هر اداره که با کمال امید و زحمتی ترویج
عدل و انصاف و حفظ حقوق بچاره ایرانی تشکیل
گشت امروز بی بینیم با طرفدار انگلیس با داری

متجاوز دیگر با اطلاق کلماتی سرگذرد
 در آن کرده از سر آدمی ولو صد دینار باشد
 با کمال بی شرفی بعنوان رشوه بگیرد
 و بروز یک اردبانی قانونی بایک دنیا
 شرف و اطمینان برای اداره کردن ادارات
 بی ترتیب میاورند امروز بیسیم مزار دوز
 با اطلاق دستهای شده و باسم قصاص اسمعیل
 خان و حفاظت حضرت اشرف با جمعی بگناه
 راسته سیاه حال نماید
 و بروز یکی برای آزادی آبادی ترقی ایران
 تا سیس روز نامه کرد امروز رفیق شفیق فلان
 خان و خوانان جدی مجازات یک جمعی شتم
 بگناه و ولی خون من السلطنه فاش (مدیر عصر)
 با رواج ملتیک انگلیس میشود. مثلاً وزیر دار
 ناد بروز کمال اعتماد را همه با داشته امروز معلوم
 شد که ایشانم شاید بی فیض نماده جدا مانع است
 که اخبارات در روزنامه جات بفضولشان تقدیم
 گردد - بقتیر دارد -

از مقالات وارده

ایران معارف ندارد یعنی هیچ ندارد
 حال دیگر لزومی ندارد که تلفیق عبارت پرورفته
 و جملات متصح راجع به حیف و وجوب معارف ایراد کنیم
 ما در این عصر می چشم خود هم دیده و فهمیده ایم که روش
 ترقی یک ملت و استقلال یک ملک بسته به وجود
 معارف و میزان قدرت و ضعف یک ملک متعلقه
 ترقی و تنزل معارف آن ملک است
 ما هر وقت دستون گیریم که ما را بخواهیم با از زبان
 بگنجد آدم نادمی هم اگر بشویم که ایران معارف ندارد

معنی این جمله این است که ایران هیچ ندارد
 آری ملکتی که معارف ندارد هیچ ندارد
 ما نباید خود ما را کول برنیم و ما چار باید از آن کنیم که معارف
 نداریم و کلمه در بر معارف در ایران صورت القاب
 معمولی سابق را پیدا نموده است
 در ایران اشخاصیکه عمده دار این مقام فهم میشوند
 بدون آنکه اهمیت شغل و مقام خود را احساس کرده
 باشند یک حالت لا قیدانه دوزخ وزارت و
 مسئولیت خود را طی نمایند!
 بحث با توجه شخصیت گفتگو در ترتیب امور است
 ما معارف نداریم و میخواهیم وزیر مقتدر بگانه حال
 حاکم با عمل و کلیل عالم در ایران پیدا شوند خوبها را
 ترمیم کنند ملکت را ترقی تجارت را رواج دهند
 را رونق دهند!!!
 ما معارف نداریم و میخواهیم یک دولتی بطرز اروپائی
 داشته باشیم و همه چیز داشته باشیم آیا میطلب
 امکان عقلی دارد؟؟!!
 ما حالیه اشخاص عالم و قابل برای کار نداریم و
 از این مدارس فعلی هم نمیتوانیم این قبیل اشخاص
 را برای آتیه خود تهیه کنیم این است که هم حالا و هم
 در آتیه برای اشخاص کافی و لایق سهمیه در مضیق هستیم
 وزارت و حکومت در میان یک عده اشخاص
 معین حالت دوری پیدا نموده اند برای تعیین
 صالح یک وزیر مقتدر یک حاکم عالم پس از کوشش
 و تفکر زیاد همان اشخاص سابق را با جزئی جرح و
 تعدیل باز روی کار آورده و یک فعل غیر مستغنی
 انگا مینامیم (مگر خند نفر که حقا مقام خود را خیال میکنند)
 ما در این قسم اتهامات یعنی انتخاب اشخاص برای

کار درست
 افتاده راه
 ما چار خود را
 میاز و چرا
 برای
 نداشته ایم
 مهات دولت
 هم میدی
 ما برای
 که نقل کنیم
 نقطه تمام فکر
 شیرالدوله
 و یکی دو نفر
 ما هم حالا
 وزارت کلف
 عقل زیاد بر
 ایم که امروز
 علم زیاد آموخت
 مکان میریم
 شاه است
 در قدم
 سلجوقی بگویند
 کافی بود و
 کوچک سو
 وزیر عالم را
 ملکت
 عزم امداد
 زحمات و

کار درست حال آنکه چه را پیدا کرده ایم که در دیره
افتاده راه فرار ندارد و بعد از دو روز کایوی بسیار
ناچار خود را در یکی از نقاط منزلی از باره توف
میتازد چرا؟
برای آنکه در ایران قحطی عاقل است سابقا معارف
نداشته ایم و در حال بزرگ را برای مشاغل ملکی
مهمات دولتی تهیه کنند و حال آنکه نداریم تا آورند
هم امید می داشته باشیم.
ما برای انتخاب یک وزیر صالح و طمأنه بر قدریم
که فعلا کنیم حتی نامش و بعقل خود را باوریم
نقطه تمام فکر و سعی ما تنسی میشود بستونی الماکت
شیرالدوله بمهر سلطنت - بمن الملک و مشاور الملک
و یکی دو نفر مثل اینها
ما هم عالی و هم در آنه همیشه شتم می کنیم که برای
وزارت یک نفر آدم عاقل پیدا کنیم همان مری که فقط
عقل زیاد برای وزارت کافی است و هنوز نمانده
ایم که امروزه یک نفر وزیر گذشته از عقل زیاد باید
علم زیاد آموخته با تجارت و تهور هم داشته باشد
مکان میبریم که حالا دوره سلطنت سلجوقی و عهد
شاه است.
در قدیم برای اداره کردن مملکت بنا بر شاه
سلجوقی یک وزیر عاقل مثل میرزا ابوالقاسم نظام الملک
کافی بود ولی امروزه برای اداره کردن مملکت
کوچک سوس چندین وزیر عاقل و عالم لازم است
وزیر عالم را از کجا بخواهیم؟ از مدارس.
مملکت وسیع نادری بزور یک نفر دیگه توربا
عزم امدادش کردید ولی مملکت کوچک این نتیجه
رحمات و خدمات چند کور ملت عالم و دانشمند

ایجاد گشته است ملت دانشمند عالم در کجا پیدا شود
در مدارس
در طهران و سایر شهرهای ایران یک عده مکاتب ابتدایی
و قلمی مدارس متوسطه یافت میشوند که غالباً از طرف
وزارت معارف تأسیس شده بلکه شمای صیغه
مدرسه در اینها نیز مانند سایر مشاغل عادی فرستاده
اند بهر نحو یک امکان داشته بمانند و چند نیز بملکت
تهیه نموده و جمعی اطفال مردمان را گردی پذیرفته اند
اصول تدبیر و وضع بر کرام دروس در آن
مکاتب که ما از مدارس میا میم موقوف میل سلطنت
خود مؤسستین است و سر یک بمقتضای نظریات
و میزان کفایت خویش آنها را راه میروند.
از اینجهت از مدارس ما هم شایسته نداشته و فقط
چیز که به او شرک میان آنها است انتخاب معلمین
بی سواد است که مؤسستین بموجب جزئیاتی از
اقناع و سر اولیا و اطفال مردم را گرم نمایند
حالا وزیر معارف باید این مدارس که بر قیمت
دیگران تأسیس شده در تحت اطاعت و پرگرام
خود در آورد و انجام این مقصد هم موقوف بقبول یا
امناع مؤسستین و مدیران است.
در حقیقت نمیتوان برای وزیر معارف ایران کمین
صیغ خارج تصور نمود فقط در مرکز طهران یک نفر را
با این اسم بی مطلق میکنند.
وزارت معارف در غالب شهرها از طرف خود
شعبه و نماینده ندارد گاهی یک نفر نماینده را با یک سبب
موسوم یا قلمی میگیسیل میبارد و پس از یکی دو ماه
با خود او از بندت استیصال با بفرار گذشته و با
کاری از پیش برده و مدیران مکاتب با یک وضع

کتاب
میتواند
کرد
رت
میر
معال
بهار
معت
رانی
طلب
دارم
شخص
عالم
مستقیم
تعیین
کوشش
نی جرح
غیر مستغنی
بغال میکنند
خاص برای

تاسف ناکل اور بیرون میاندازند

این است شرح مختصری از وضع اسف در معارف و مدارس ایران که مایه خوارگی از آنها رجال بزرگ و بزرگی عالم برای آینه مملکت خود تهیه نمایند آیا این مطلب پذیر خواهد بود؟! در ممالکی که ایجاد مؤسسات و طرح کل لکلمات در دولت و مجری اصول آنها هم خود دولت است تقریباً تمام مدارس دولتی است و این قبیل مکاتب که آنرا مدارس ملی موسوم کرده ایم وجود ندارد تا سیمین مکاتب از طرف اشخاص عادی تکلیف می شود مگر در پاره موارد که آنهم مقید بالزام شرایط دیگر گرامر باشد و در آراء دولت هم از بذل مساعدت مالی خود درباره آنها در هیچ نخواهد داشت

ما بحالته مجبوریم که مضرات مدارس ملی منافع و مرخحات مدارس دولتی را مفضلاً ذکر کنیم فقط تعلیل آن مختصراً و بقیه را بوقت دیگر محول مبداریم.

اگر تمام مدارس دولتی باشند دیگر مدیران مدارس طهران مشاقت ندارند که بر گرامر دولت وارد نموده و مدیران مدارس ولایات هم نمیتوانند مأمورین و رؤسای معارف را بیرون برانند و نیز چون مدارس دولتی است دولت میتواند در مدارس خود همه قسم خدمات نموده منافع عالی و نایب صحیح تحصیل کند و از کارخانه های آدم سازی خود در رجال دیپلمه و علمای پلیتیک دانی مثل سردوار دیگرها اسکوت اللوید جزها بعمل بیاورد تا از روی حل سیاسی و دلیلیات و پیمانی بکفایت تمام مملکتی مثل ایران را در کیف پلیتیک و خوبین در نوع وزارت خود مجوس نموده و کلیه وزارت شیوه وزارتخانه هندی انداخته تا بالاخره کم و نابود گردد و یک ملت محسب تمام

حقوق ملی و حیثیات قومی خود فدای حرفهای جاهلگری و تسلط امپراطوری هندوستان گردد!

باری مانند ایران نبودن عادت مکرده و مجرب گوش نامیرسد و فرورفته و با مشکل قصه مانند در سلو ما منعکس میگردد و ذکر هر یک از نواقص مملکت را اطلاق برادر بارشونده و در جراید خوانده ایم ولی برای ترسیم و تصفیة آن اقدامی بعمل نیامده این است که بیان آن نواقص دیگر جز مکرر است شده و از گفتن فایده حاصل ازین جهت است خرابی روی خرابی نواقص بالای نواقص در مملکت انباشته شده است!

اگر ما گمان مبریم که شش شش ما داریم بعد از آنکه مکرر بار کرده برای هزارین دفعه با او از بلند میگوئیم که ایران را ندارد یعنی ایران هیچ ندارد!!

وزیر معارف ما هر که باشد باید بداند که روح ترقی و سعادت ایران در دست او است و همیکه عهده دین مقام منیع شده رشته حیات و حیات ایران را در کف خود گرفته است ما مقام وزارت معارف را از سایر مقامات قابل تقدیر می دانیم زیرا که او باید اشخاص کا در ای مقدر و بالاخره او همای قابل بری همه کار مملکت بی سر و سامان مانتیه نماید.

وزیر معارف باید برای توسعه و احکام معارف ترقی و تنظیم مدارس قومی وزارت گذشته و نهاده را سازماندهی کند و خود شخص در

وزیر معارف باید بداند که از این مکاتب عالیه ناکه یک عده اشخاص بی دست و پا برای تحصیل روزی ایجاد کرده اند کاری ساخته نیست و نمیتوان آنرا معارف نامید.

بر مکتب - آقای سالار فاتح که از بزرگان احزاب است با عده از جوانین و محرمین بخون در دو فرودگاه اطلاق است نمایندگان بیست و هفت مرتبه جل خود و در خدمت این بزرگان ترسیدیم

شماره
چند نالی از
چند گری از
نیک و بد
نی یززدن
تولت رو
میش ازین
گر نخر و
از شمال
دولت
با تفاق
که پس از
منطقه
با قمار
سلاطین
حس مرد
فرود
انگاد بان
اول
عارفانه

له توافق پلنگ امروزه و برای خوشنودی پلنگ
بر یک بقدرت در مقام اعتراض برآمد و عرض انداز
نموده سعدی پرست شدند.
سعدی وقت هم بداند که اتفاق آنها صمیمی نیست
مقلدین دولت بریطانی بروش بی حقیقی اوئی
میانند.

عجالتاً ملاحظه است نهدیم که این فردت
نیت باول جنگ قدسی سکونت اختیار کرده.
اگر دو دفعه این محاربه شروع نشود بلا شبهه حاجی
تعب خواهد بود ما هم برای اصلاح مسکویم ایران
با وضع حاضره و حال اختصار طاقت جنگ
ادبی و به سید آن محرم خارج از تراکت را ندارد
کوله تار از انس سادوه
پس از قطع روابط باطنیه رابطه ظاهری با یک
غلط بود و این اقدام خوشوقت شدیم (و موجب
متضاد در یک جامع نمیشود) حب الشیعی نعم و بضم

اعلان

بموم ایالات و ولایات هرگاه اربابان کمال
و صاحبان فرهنگ در کتابهای لغت یک کلمه
پیدا کردند که بجای (تازه) استعمال کنیم بشرطیکه
معنی (نو) را ندیده باشند در این منت خواهند فرمود
اقتیاز خواهیم گرفت
آقای نقی سلطان در کلان و سلطه خیابان
روزنامه فروشی را تهه میکنند که چرا در نامه جنگل را
میفروشند بعضی سبب اسئوال میکنند میفرمانند که
اقتیاز طبع نشتر میگرد و ولی بریده فارس آزاد است
ما هم اقتیاز خواهیم گرفت در صورتیکه فراتر با جنگو
گیلان منصوب شود.

قوام السلطنه و حکومت کمان
بجبت عصبانی شدن فقط یک نفر در صورتیکه غوغا
سردار نصرت بمرکز و نصب آقای قوام السلطنه صورت
پذیرد ما چاریم بگوئیم در این جا (وجود ناقص
از عدم صرف است)
آیا شمت اله دوله ضرورت است؟

رفع چشم زخم

بمنجهن دولت بریطانی چون تشکیل مجلس خوب
در یک نقطه ملاحظه نمودند دیدند محل توجه عمومی
شده بر رویک است از حضرت افسوس دیگران
چشم زخمی بآنان برسد تفرقه آنان را اصلاح دانستند
تقسیم نمودند در تمام نقاط ایران منقسم شوند
رستان، همدان، بروجرد، بیرجند، قانق
نیستان و غیره.
کو یا مقداری را هم در جنگل شمال خیال دارند
مخفی نمایند.

رفع اشتباه

رئیس استوکر انگلیسی که با آنروپلان نظامی از
فضای لندن به سوی ایران طیاران فرموده مقصودشان
رضن بعوش و دعای باران بجبت بسیاری نرعه
های جنگ لندن بوده مهبوط ایشان بی پای
تحت ایران موقتی و غیر رسمی است اگر باران
نرسد دو دفعه برای استجابت دعا طیاران خواهند
نمود
بر نامداران سیاست مملکت مشتبه نگردد.

محل فروش - رشت - رسنه طاق بندنا مغازه
میزر ایصف زنجانی - مطبعه کتیا -

شماره
جای
ملک افغان
باید
مرا
کت
این
با
بسم
سلام
استخاری
ایرانی
ایرانی
ای
پایان
حرم
و محط
اینگ
و خود
نی
میلی
حقایق
این
ای
اسلام